

برطبق یک نظر سنجی،

توهم به مجلس ((اصلاحات)) هم فرو ریخته است

کرده اند. به نوشته روزنامه ایران بیش از ۶۰ درصد پرسش شوندگان زیر ۳۰ سال سن داشته اند و ۶۹ درصد کل پرسش شوندگان تحصیلات فوق دبیل تا دکترا دارند. انجام و انتشار نتایج این نظر سنجی در باره عملکرد مجلس ششم "آنهم توسط روزنامه ایران که خود در طیف روزنامه های وابسته به "اصلاح طلبان" است، جزاعتراف به شکست مجلس ششم در عملی ساختن و عده و وعیدهایی که درباره تاثیر گذاری آن بر وضعیت زندگی مادی و معنوی مردم داده میشد، نیست. حتی درصد ناچیزی از پرسش شوندگان نیز از عملکرد مجلس راضی نبوده اند. درحالیکه شرکت کنندگان در این نظرسنجی به لحاظ موقعیت سنی و اجتماعی به طور بالقوه می توانند از جمله

صفحه ۳

روزنامه ایران در تاریخ سه شنبه ۱۹ مهر، نتیجه یک نظر سنجی را در باره عملکرد مجلس ششم منتشر کرده است. نظر سنجی توسط روزنامه ایران انجام شده است و طبق آن ۲۲ درصد پرسش شوندگان گفته اند که مجلس ششم انتظارات مردم را "تا حدودی" برآورده کرده است. ۴۲ درصد معتقدند انتظارات به میزان "کم" برآورده شده و ۳۴ درصد اظهار داشته اند که مجلس ششم "اصلاً" انتظارات مردم را برآورده نکرده است.

بنابراین نظر سنجی روزنامه ایران، ۶۲ درصد پرسش شوندگان معتقد بوده اند که اولویت کارمجلیس باید پرداختن به مسائل اقتصادی باشد، ۱۵ درصد مسائل سیاسی، ۱۰ درصد مسائل فرهنگی - هنری و ۸ درصد مسائل اجتماعی را اولویت نخست مجلس ارزیابی

از همان روزاولی که مهاجرانی عضوی رجسته کارگزاران سازندگی توسط خاتمی به مجلس پنجم معرفی شد، مشاجره برس و وزارت وی هم آغاز شد. جناح خامنه ای که اکثریت مجلس را نیز درست داشت مخالف وی بود اما در آن مقطع به دو دلیل به وی رای اعتماد داد. این جناح، اولاً هنوز از فضای شکست انتخابات ریاست جمهوری بطور کامل بیرون نیامده بود، ضمن آنکه آقای رئیس جمهور که برمنت یک شرایط ویژه آراء قابل توجهی را تصاحب کرده بود، پیروزمندانه باد در غربگاه اندخته و از مهاجرانی بعنوان نزدیک

ترین فرد به خود و بعنوان مهم ترین وزیر کابینه خود، به سختی دفاع کرده بود. ثانیاً این درست است که جناح خامنه ای شکست سختی را متحمل شده بود، اما این جناح در عین حال توانسته بود یکی از مشاوران اصلی رئیس جمهور، یعنی کرباسچی دبیر کل کارگزاران سازندگی و شهردار تهران را هرچند که او وزیر نبود، اما همواره در جلسات هیئت دولت شرکت داشت، کنار بگذار و او را از گردونه معادلات سیاسی بکلی خارج سازد. این جناح که برای حذف کرباسچی زمینه های لازم را آماده کرده بود، جهت حذف مهاجرانی نیز باید مترصد شرایط مساعدتر می ماند و زمینه اش را آماده تر می ساخت. در آن مقطع نه فقط مجموعه شرایط برای یک چنین تسويه حسابی هنوز آماده نبود، بلکه این اقدام زود هنگام می توانست به رو در روئی با مردمی که در مخالفت با جناح خامنه ای به خاتمی رای داده بودند و از جانب خاتمی هم به آنان وعده هایی داده شده بود منجر گردد، موجب برانگیختن آنان و توده مردم ناراضی شود و جامعه را به تشنج بشکاند. معهذا انتشار صفحه ۲

مبازه طبقاتی و رهائی زنان

مقدمه:

متن زیر ترجمه بخش اول کتاب "مبازه طبقاتی و رهائی زنان - از ۱۶۳ تاکنون" نوشته "تونی کلیف" است. در این کتاب که در سال ۱۹۸۴ منتشر شد، تونی کلیف به مور تاریخ مبارزات زنان برای رهائی می پردازد. در بخش اول وی به پیدایش نطفه ایده رهائی زنان در اواسط قرن ۱۷ اشاره دارد.

در فصول بعدی کتاب ازحمله به نقش زنان در انقلاب فرانسه، کمون پاریس، جنبش زنان در قرن ۱۹ در آمریکا، جنبش زنان سوسیالیست در المان، جنبش زنان در روسیه می پردازد. جهت اشنایی با تاریخ مبارزات رهائی طبلانه طبلانه زنان، اقدام به ترجمه این کتاب می شود. در اولین بخش، انقلاب انگلیس و پیدایش نطفه های ایده برابری زنان مورد بررسی قرار می گیرد و به جنبش هایی که در این مقطع ظهور کرده و هر یک متناسب با منافع طبقاتی خود به مسئله زنان برخورد داشته اند، اشاره می شود.

صفحه ۴

پدیده بسیج کشی در ایران

در طول یکی دو سال گذشته همراه با توسعه مبارزه علیه مردم، علیه حکومت اسلامی و متتنوع شدن اشکال مبارزه، پدیده ای ظهور یافته و گسترش پیدا کرده است که در این ابعاد، بی سابقه بوده است. در همین مدت کوتاه، مردم درصد ها مورده مقابله رود رهو با نیروهای سرکوب رژیم بویژه بسیجیان برخاسته آنها را کنک شده و در دهها مورد به قتل رسانده اند. از آن جایی که این اقدامات فهر آمیز علیه بسیجیان و گسترش آن نه توسط گروهها و سازمانهای سیاسی بلکه توسط توده مردم صورت گرفته است، معنای سیاسی خاصی به خود می گیرند که باید آنرا در پرتو اوضاع سیاسی کنونی ایران مد نظر قرارداد. این پدیده نه در چارچوب اقدامات فردی غیرسیاسی می گنجد و نه در چارچوب ترورهای منفرد. در واقعیت امر این شکل خاصی از مبارزات فرعی مردم در شرایطی است که جنبش رو به اعتلاست و توده مردم دیکتاتوری طبقه حاکم را با اعمال انتوریتی خود به مصاف می طلبند. زمانی بود که صفحه ۶

در این شماره

((پلیس نوجوان))

- برای برقراری امنیت در مدارس ۸
ستون مباحثات ۵
خبری از ایران ۲
خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان ۶

گفته شد که وزیر ارشاد، استعفا نامه ۵۰ صفحه‌ای خود را برای خاتمی فرستاده است که ایشان نیز آن را برای "اصلاح" به او برگردانده است. سپس معاون وزیر ارشاد خبر استعفای وی را تأیید کرد و سرانجام روزنامه کیهان فاش ساخت که قرار بود مهاجرانی برای پاسخ به سوال نماینده تبریز در مجلس حاضر شود که با توجه به قبول استعفای توسط رئیس جمهور، دیگر در مجلس حاضر نشد. گرچه شخص مهاجرانی و حامی سابق ایشان آقای رئیس جمهور هنوز در این مورد سخنی نگفتند، اما روش است که این موضوع هیچ تغییری در اصل قضیه ایجاد نمی‌کند و کار آقای مهاجرانی تمام است. فرض آنکه هنوز هم در مقام خود ابقاء شود، دیگر حقیقت همان وزیر ارشاد قبلی که دست و پاکسته حرفاً می‌زد هم نخواهد بود. شایان ذکر است که این موضوع در سکوت کامل آقای رئیس جمهور برگزار می‌شود. ایشان درست در بحبوحه این تعریضات و تمرکز فشارها روی مهاجرانی، همچنان مشغول موعظه و "تمرين شکیابی" بود و شدیداً مراقب آن بود که "مطلوبات" از "اندازه واقعیات و امکانات" فراتر نرود! گرچه بی‌جریانی آقای رئیس جمهور را تقریباً از همان اولی و بیویژه بعد از جریان استیضاح و برکناری نوری وزیر کشور ایشان به خوبی می‌شد فهمید و نیاز نبود تا کار به برکناری وزیر ارشاد وی بررسی، اما این بار ضربه جناح مقابل جدی تر بود و این جناح گاو را بقول معروف از شاخش چسبیده بود. دریساط شترنجی که خاتمی پیش روی خود داشت، مهاجرانی وزیر خاتمی بود. با از دست دادن وزیر اما هرکس می‌داند که طرف مقابل بازی را برده است. این باخت اما یک باخت کم اهمیت و فقط از دست دادن یک وزیر نبود. برکناری وزیر ارشاد، صرفاً در استعفای و برکناری یک فرد و شخص مهاجرانی خلاصه نمی‌شد، این مسئله به نحوی وضعیت خود خاتمی و اصلاحات وی را نیز رقم می‌زد.

البته آقای خاتمی که گام به گام به عقب نشسته است و نحوه برخورد و موضع گیری وی در قبال روی دادهای مهمی چون قتل‌های سیاسی، وقایع کوی دانشگاه، انتخابات مجلس، سرکوب دانشجویان، مسائل مربوط به کنفرانس برلین وحوادث خرم آباد وغیره وغیره، این عقب نشینی‌ها را بازتاب می‌دهد، بازهم عقب تر خواهد نشست و جز حرفه‌ای کلی چیزی ارائه نخواهد کرد. از سوی دیگر اظهار نظر خاتمی در مورد کاندیداتوری خود برای دوره‌اینده ریاست جمهوری نیزنشان دهنده همین عقب نشینی است. خاتمی، علیرغم اعلام قلی مبنی بر شرکت در دوره آینده انتخابات ریاست جمهوری بعداً با تردید بسیار در این مورد سخن گفت و این موضوع را به اینکه "مصلحت نظام" چه اقتضا کند، مشروط نمود.

خاتمی جنازه «اصلاحات» را با دست خویش دفن کرد!

شده است و می‌شود نمی‌خواهد کاری بکند و نمی‌تواند بکند. او حتی برای آنکه رضایت جناح خامنه‌ای را فراهم کرده باشد، گاه خود نیز با آنان هم صدا می‌شود و علیه مطبوعاتی که پا را کمی از گلیم خود واژ سنت های جاری در روزنامه‌های وابسته درازتر می‌گردند، موضع می‌گرفت، بعضاً بهانها تذکر می‌داد و گاه حتی جلوانتشار آنان را می‌گرفت و از این هم بالاتر با گفتن اینکه برخی مطالب کدر مطبوعات تحت چاپ می‌رسد "براندازانه" است، دست جناح رفیق رادرحمله و تعطیل مطبوعات نیز بازتر کرده بود. او عملاً سرکوب روزنامه نگاران و تعطیل و توقیف مطبوعات را تأیید کرده بود. مهمنترین اقدام و اظهار نظر وی در مورد مطبوعات درسفری که اخیراً به زاپن داشت و در گفتگو با شبکه تلویزیون ملی زاپن انکاوس یافت، این بود که نسبت به انتشاردوباره شماری از روزنامه‌های تعطیل شده اظهار خوش بینی کند. او به عنوان نمونه از روزنامه آریا یاد کرد "که به یک زمان کوتاه تعطیلی محکوم شده است و پس از پایان این دوره می‌تواند منتشرشود" البته آقای وزیر در گفتگو با شبکه انتشار محدد نشیبات موجود بر سرراه انتشار مدد نشیبات چیزی نگفت، او نگفت که چه بشود؟ که دوباره تعطیل منتشر شود که چه بشود؟ که دوباره تعطیل و به توقیف طولانی مدت‌تری محکوم گردد؟ بعد از آن همه اعمال فشار و سرکوب و توقیف روزنامه‌ها و دستگیری و حبس نویسندهای این دوره می‌تواند منتشرشود" از وزارت ارشاد شدن، عناصر سرشناس وابسته به جناح خامنه‌ای هر روز، از تربیون‌های عمومی خواستار برکناری وزیر ارشاد می‌شند. رسالت هر روزه خبر می‌داد که برکناری مهاجرانی مدتهاست "به خواست و دغدغه علماء" تبدیل شده است. وقتی که در اول اردیبهشت سال جاری، خامنه‌ای از وضعیت حاکم بر مطبوعات و از مسئولین مربوطه ابراز نارضایتی کرد، وقتی که مطبوعات را "پایگاه دشمن" خواند و فرمان حمله را صادر کرد، دیگر معلوم بود که مسئله بسیار حدی است و موضوع بر سر تعطیلی یک ویادو روزنامه نیست. این تعارض همه جانبی اگرچه هدف مقدمش قلع و قمع ارشاد ابقاکنده و موتوریان اصلاحات باشد! اما پاسخ او به سوال خبرنگار زاپنی ان. اج. کی در رابطه بالحتمال کناره‌گیری اش ازوزارت ارشاد حاکی از آن بود که امید به ماندش را از دست داده است. اگر ساقی پراین در پاسخ به چنین سوالی قرص و محکم می‌گفت که قصد استعانه‌دار و تا رئیس جمهور بخواهد در این پست خواهد ماند، این بار بدون آنکه نامی از رئیس جمهور ببرد گفت که او "در درجه اول دانشگاهی است و در درجه دوم وزیر است و اگر که وزیر نباشد به همان کار اصلی اش خواهد پرداخت!" بین ترتیب روش بود که این بار قضیه برکناری وزیر ارشاد بسیار جدی‌تر از دفعات گذشته است. هنوز چند روزی بیشتر از این اظهار نظرها نگذشته بود که شایعه استعفای مهاجرانی به طور کم ساقه‌ای بالا گرفت.

دارند و خواهان ادامه تحصیل در خارج کشور هستند، این اجازه را بدهد که به خارج کشور بروند. مطرح شدن این طرح (هرچند که از قبل با رفت و آمد برخی زنان نماینده مجلس به قم و به بیوت آیات عظام، زمینه چینی های آن صورت گرفته بود) با واکنش تند روحانیون مواجه شد. از جمله مکارم شیرازی به کروبی رئیس مجلس نامه‌ای نوشت، از تصویب این طرح در مجلس ابراز نگرانی شدید کرد و مجلس را از تصویب آن در شور دوم برخوردشت. کروبی رئیس مجلس نیز در واکنش به این نامه، گفت خود اوهم با این طرح و تصویب آن موافق نیست. همه اینها در حالی است که در صورت تصویب این طرح در مجلس، مصوبه مجلس به شرطی قابل اجراست که توسط شورای نگهبان تأیید شود.

مواردی که گفته شد، باضافه طرح‌های تحقیق و تفحص - از جمله در رابطه با وقایع خرم آباد - که جز رسائی برای "اصلاح" طلبان ببار نیاورد، و طرح لغو گزینش که به احتمال قریب به یقین به سرنوشت مابقی مصوبات مجلس ششم دچار خواهد شد، مجموع عملکرد این مجلس را زمان تشکیل تا کنون شامل می‌شود. از همین روزت که حتی نظر سنگی روزنامه "اصلاح" طلب ایران نیز جناتوانی مجلس "اصلاحات" در عملی ساختن وعده‌ها، و ناراضایت مردم از عملکرد این مجلس چیز دیگری را نشان نمی‌دهد.

مجلس "اصلاحات" نیز همانند دوره‌های قبلی مجلس، نمی‌تواند مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توده مردم ایران راحل کند. اولاً به این دلیل که چه "اصلاح" طلبان در آن اکثریت داشته باشند، و چه دیگران، مجلس شورای اسلامی در حکومت اسلامی نقش یک پارلمان بورژوازی را هم فاقد است. در این سیستم، ولی فقیه و ارگانها و نهادهای وابسته به او و تحت امر اوی هستند که حرف آخر را می‌زنند. از همین روزت که "اصلاح" طلبان نه تنها قدمی برای حل مسائل توده مردم در مجلس بر - نداشته اند، بلکه حتی نتوانسته اند وعده هائی را که طرفداران خود داده بودند، عملی کنند. دوم اینکه جبهه دوم خرداد که رسالت و هدفش حفظ حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است، همانند جناح دیگر قوانینی درجهت تحکیم بنیادهای این نظام به تصویب خواهد رساند و آنجا نیزکه تحت فشار جنبش توده ای و درهراس از انفجار اجتماعی وعده ای به مردم می‌دهند، در عمل این وعده پوچ و توخالی از آب در می‌آید. نتیجه نظر سنگی روزنامه ایران نشان می‌دهد که نقش مجلس در نظام جمهوری اسلامی، و پوچی وعده‌های "اصلاح" طلبان در عمل برای مردم روشن است.

برطبق یک نظر سنجی،

توهم به مجلس ((اصلاحات)) هم فرو ریخته است

کسانی باشند که گمان می‌کردند کسب اکثریت کرسی های مجلس ششم توسط "اصلاح طلبان" تغییری در اوضاع مردم پدید آورد، اما عملکرد چند ماه گذشته مجلس اثبات کرد که کار چنانی از آن ساخته نخواهد بود.

"اصلاح طلبان" قبل از انتخابات مجلس، مدت‌ها در بوق و کرنا دمیده بودند که به محض تشکیل مجلس ششم، "طرح اصلاح قانون مطبوعات" را به تصویب می‌رسانند تا موانعی را که مجلس پنجم در آخرین لحظات حیات خویش برسر راه فعالیت روزنامه های دوخردادی ایجاد کرده بود، از میان بردارند. پس از تشکیل مجلس، درحالی که قراربود تصویب این طرح ورود "باشکوه" "اصلاح طلبان به دانشگاهها" به "طرح حفظ حریم دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی" حوزه های اعلمیه و بیوت مراجع" تغییر داده است. باید دید این طرح تا به شور دوم مجلس بررسد به چه شکلی در می آید و درنهایت یکی دیگر از عرصه‌هایی که "اصلاح طلبان" خود را ناگزیر می‌بینند با تصویب چند طرح و لایحه، تضادهای جامعه را تخفیف دهند، امور حقوقی مربوط به زنان است. قوانین عقب مانده و ارتজاعی و ضد انسانی رژیم علیه زنان، رسوای خاص و عام شده و جامعه را در آستانه انفجار قرار داده‌اند. طبق آماررسمی ایران بالا ترین درصد خودکشی در جهان را دارد و بیشتر کسانی که اقدام به خودکشی می‌کنند، زنان و بیویه زنان دختران جوان هستند. اعتیاد، فحشاء، فرار از خانه و طلاق و امثالهم نیز بیداد می‌کنند. "اصلاح طلبان" طرحی به مجلس برده اند که قرار است طبق آن تبصره قانون مدنی در رابطه با حداقل سن ازدواج، اصلاح شود و ازدواج برای دختران زیر ۱۴ سال و پس از ۱۷ سال به اجازه دادگاه منوط شود. "اصلاح طلبان" نیز همانند جناح رهبر، تعالیم اسلام، دختران ۹ ساله را به طور بالقوه آماده ازدواج می‌دانند. اما انجام این ازدواج را منوط به تأیید دادگاه می‌کنند. در هر صورت این طرح توسط مجلس تصویب و توسط شورای نگهبان رد شد! طرح دیگر در این زمینه، لغو منوعیت اعزام دختران دانشجو به خارج برای تحصیلات بالاتر از لیسانس است. طرح مذبور قرار است به دخترانی که لیسانس می‌دهند.

"اصلاح طلبان" حکومت که در سرکوب جنبش دانشجویی و بیویه تهاجم فاشیستی در روزهای پس از ۱۸ تیر به دانشجویان و مردم دست در دست جناح خامنه‌ای داشتند و برای سپاه و بسیج

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان

تولد یک آرمان

انقلاب انگلیس در اواسط قرن ۱۷، سپیده دم رهائی زنان بود. انقلاب، زنان دهقان و کارگر را به صحنۀ تاریخ کشاند و بسیاری از مسائل اساسی جامعه، مربوط به ساختار جامعه از جمله نقش زن را مطرح ساخت. گروههای سیاسی و مذهبی که در دوران انقلاب و جنگ داخلی فارج وار سربلند کردند، برخی از این فرقه‌ها، خواهان حقوقی برابربرای زنان بودند. در این دوره اخلاقیات نوین در زمینه مسائل مربوط به رابط شکوفا شد. اما متسافانه این شکوفه‌ها، زمانی که انقلاب از مسیر خارج شد، پیشمردند. آن زمانی بود که بورژوازی پیروزمند، با اشرافیت، یعنی لردها و اسفاف ها بر سر احیاء سلطنت به توافق رسیدند. ایده های نوین برابری طبلانه برای زنان، و اخلاقیات جنسی، در میان رادیکالهای اردوی انقلاب ظهوریافت. جنبش مساوات طبلان (Levellers) و حفاران (Diggers) و رانترها (Ranters) از این جمله‌اند.

مساوات طبلان "جنش افشار میانی بود و منافع دهقانان و بیشه وران را نمایندگی میکردند. آنها از تمرکز قدرت اقتصادی درست شروتمدان به تنگ آمده و خواهان استقلال اقتصادی، حق تملک فردی بر ابزار تولید: مندان را میداد. خدائی که در قامات "مساوات طبلان" ظاهر می شد و شب هنگام به منظور خاص به عنوان پایه‌ای ترین آزادی انسانی بودند. آنها خواهان جامعه ای از تولید کنندگان کوچک، مستقل و ازاد بودند.

مساوات طبلان تمام مظاهر جامعه استثمار گر موجود از جمله ملاکین، اشرافیت، سلطنت، روحانیت و حقوق دانان را محکوم می کردند. از دید آنها تضمین برابری، درگرو تساوی قدرت سیاسی از طریق لغو شرایط مالکیت برای رای دادن و همچنین برای ای حوزه‌های انتخاباتی برای انتخابات سالانه بود. جنبش "مساوات طبلان" تا مدتی از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در میان رده‌های بایین ارتش کرمول برخوردار بودند.

اما سرکوب این جنبش در سال ۱۶۴۹ توسط "کومول" پایان رادیکالیسم آرمانگرایانه بود. چرا که این جنبش نه به لغومالیات انجامید و نه به تحقق رفرم اجتماعی. با این وجود تمکن از هریک نقطه نظرات متفاوتی در برخورد به خانواده و جنسیت داشتند: مساوات طبلان که در واقع آنارشیست های صوفی مسلک وفاده هنریون شکلی بودند، به خانواده و جنسیت به مثابه نوعی از تملک خصوصی نگاه می کردند. آنها به رابطه بین تملک خصوصی و تک همسری اشاره داشتند و مدافعانه هردو بودند. "حفاران" به تک همسری اعتقاد داشتند که مبنای آن انتخابات آزاد باشد و از هرگونه وابستگی اقتصادی میرا بشد.

یکی از رهبران این جنبش (Winstanley) در "جزوه" قانون ازادی دریک پلاتفرم" مینویسد: "زن و مرد ازادی کامل انتخاب همسر خود را دارند مشروط به آن که عشق و محبت را حفظ کرده و مبادا دست تقدير و ایجاد خللی در این رابطه بوجود آورد. چرا که ما همگی انسان هستیم و سرنوشت یکسانی داریم، لذا چنانچه رابطه جنسی بین زن و مرد منجر به پیدایش نطفه شود" مرد باید با زن ازدواج کند.

در واقع این نظریه بین معنا بود که در صورت ازدواج، جدائی و تغییر همسر ممکن نبود. "وینستانلی" در جای دیگر در باره آزادی جنسی چنین نوشت:

"... چرا که زن و فرزندی که از این رابطه بر جای مانند، چنانچه مرد آنها را رها کند، وضعیت دشواری خواهد داشت لذا زنان باید هشیار باشند چرا که این عمل، تخریب قدرت آفرینش است..."

به اعتقاد "کریستوفر هیل" که به مطالعه نظرات این جنبشها پرداخته است: "از نظر

مساوات طبلان آزادی جنسی‌مدادام که نطفه‌ای بسته نشده است، برای مردان در نظر گرفته شده است. در واقع بستن نطفه، پایه واساس تاکید بر تک همسری است."

علاوه بر این عامل، فاکتور مهم دیگری در تاکید بر تک همسری در این مقطع زمانی در انگلیس، بهبود نسبی در وضعیت تهی دستان بود. تا پیش از آن خانواده های تهی دستان در نتیجه فقر و فلاکت و بیکاری از هم پاشیده میشد، چرا که مرد در جستجوی کار و نان راهی نقاط دیگر میشد. فرزندان در سالین ۷ - ۸ سالگی به بیکاری و مزدوری گمارده می شدند. از همین‌روست که اقسام متوسط جامعه، تهی دستان را به داشتن "اخلاقیات فاسد" می‌کنند. اما وینستانلی در برخورد به این نظرات به نقش تعیین کننده تامین رفاه اقتصادی در تضمین ثبات اخلاقی خانواده بکرات اشاره می‌کند. جنبش "رانترها" در برخورد به تک همسری، نقطه نظرات دیگری ارائه داد. آنها مخالف تک همسری بودند. حتی یکی از رهبران آنها "جان رابین" (John Robin) فرمان تعویض همسران را به هواخواهان خود داد. خود او نیزیه عنوان "الگو" همسر خود را با فردی دیگر تعویض کرد. "لورنس کلارکسون" (Lawrence Clarkson) این پدیده را آزادی کامل جنسی نامید. پس ازاو، "آبیزه کوب" (Abiezer Coppe) حملات شدیدتری به خانواده تک همسری کرد. وی در جایی گفته است: دست از ظانف کثیف خانوادگی بر دارید. "کلارکسون" معتقد بود که هیچ فرقی بین دعا و زنا نیست چرا که هر دوناشی از یک خواست درونی است.

ده سال پیش از آن "کلارکسون" در ازیزیابی از آنچه در سال ۱۶۴۰ تدوین کرده بود، نوشت: "هیچ مردی از گناه میرا نیست. . . هر مردی به روش خود به کمال نائل می‌گردد." یک شاهد معتبر که با "کلارکسون" اینزدیک برخورد داشته، نظرات وی را چنین جمع‌بندی کرده است: "... آنها (رانترها) تعهد و واسنگی یک زن به مرد و بالعکس را نتیجه نفرین و عذاب الهی میدانند و چون معتقدند که خود از لعن و نفرین میرا می‌باشند، لذا آزادند که با هر کس اراده کردن، رابطه جنسی داشته باشند."

کریستوفر هیل، یکی از پژوهشگرانی است که نظرات رانترها را مرمود از زیبایی قرارداده است، نگرش رانترهارا به جنسیت و کارچنین جمع‌بندی می‌کند: "رانترها، شکل ایدئولوژیک و بیانی منسجم به رویه های دادند که از مدت‌ها پیش در میان خانه به دوشان، کلیه نشینان و قشرمیانی پیشه و ران مهاجر معمول شده بود. رانتریسم بیش از آنکه اخلاقی جدید باشد، بیانی از تکرش‌های سنتی بود که پاره‌ای از آنها نظری نفرت از کار، بی بند و باری جنسی، سوگند . . . از طبقه تن آسا اخذ شده بودند."

انگلیس در کتاب "الهام" می‌گوید: "این واقعیتی است که با هر جنبش عظیم انقلابی، مسئله عشق آزاد" به بیان کشیده می‌شود. گروهی آن را به عنوان یک پیش‌رفت انقلابی که قیود سنتی کهن را که دیگر ضروری نیست در هم می‌شکند، در نظر می‌گیرند و برخی دیگر آنرا آینینی مطلوب می‌دانند که به راحتی تمام اثواب روابط آزاد و سهل و آسان میان زن و مرد را در بر می‌گیرند."

ستون**مباحثات**

- کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کار به ابراز نظرات مدافعين سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاص یابد.
- مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب می‌گردد.
- هر مقاله‌ای که برای درج در این ستون ارسال می‌گردد حداقل می‌تواند حدود ۲۰۰۰ کلمه با دو صفحه نشریه کار باشد.

حکومت شورائی: محتوا و چشم انداز (مقایسه تجربه شوروی و الزامات حکومت شورائی در ایران)

باشند که طی یک دوره 'هرچند کوتاه' در حاکمیت دوگانه با بورژوازی بود.

تفاوت دیگر اینکه در درروه فعلی، این فقط کارگران و دیگر زحمتکشان نیستند که مبالغه در سرنگونی رژیمجمهوری اسلامی دارند و از این‌رو تشکیل شوراهای انتشاری دیگر جامعه را نیز در بر می‌گیرد و از همین روی می‌توان از شوراهای محلات، ادارات و غیره نام برد که اقتضای مختلفی را در خود جای می‌دهد. سوال این است که این نوع شوراهای انتشاری را در برابر چه حد در برنامه‌ریزی و مدیریت و کنترل سهیم اند و حدود اختیارات آنان کدام است؟ آیا به عنوان مثال شوراهای محلات به شوراهای شهر و شوراهای استان مرتبط اند تا در برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی خود نقش داشته باشد؟

نکته دیگر اینکه در شوروی فقط یک نیروی انقلابی و آنهم حزب کمونیست بلشویک بود که رهبری انقلاب را به عهده داشت و توده ها این هژمونی را پذیرفتند. جنبه حزبی در شرایط ایران موجود نیست و ما هم در تدارک انقلاب سوسیالیستی نیستیم، تواند پاسخ سازمانی های سیاسی در حیات شوراهای چگونه می‌تواند باشد؟ از انجایی که این سازمان ها تلاش خواهند کرد که نمایندگی سیاسی و رهبری توده‌ها را بددست بگیرند و از آنجایی که در یک حکومت شورای این مهم جز به دست گرفتن رهبری شوراهای میسر نیست، آیا می‌توان انتظار داشت که از همان بدو تشکیل شوراهای این توده هایی در سازمان ها رهبری و به پیش بردن برخوردهای سیاسی آنها در سازمان ها رهبری و از آن‌جا نمایندگان نظری را به عهده خواهند گرفت و از همان ابتدا خواست "شوراها به دست توده ها" عمل موضوعیت خود را از دست می‌دهد.

بنابراین باید در "خواست ما" در مورد ایجاد حکومتی که تمام ارکانهای آن از پائین تا بالا در دست توده‌ها و شوراهای آنان است گمی مکث کرد و سعی نمود به این سوالها جواب داد. ما می‌باید مکانیسم های تضمین هایی قدرت به دست توده هارا نیز در برنامه خود قید نماییم و از کلی گوئی بپردهیم. زیرا مصرف تشکیل شوراهای و حضور توده‌ها در این بدو می‌تواند متناسبات و امکانات برای تضمین رهبری این به دست توده های متکل در این شوراهای به خواست واقعی مانمی‌تواند جامعه عمل بپوشاند. مسئله مهم دیگر در مورد تشکیل شوراهای این است که طی بسیار وسیعی از این توده ها در روزتایها و مناطق دور دستی زندگی می‌کنند که حتی اندک تحریبه توده های شهری را نیز ندارند بعلاوه بیسادی و روابط فیضی و خانهای و ریشه‌سفیدی و امثال‌هم باعث می‌گردد که آنان با توده های زحمتکش شهربی نیز بسیار اختلاف داشته باشند، حال فکر می‌کنند که آیا آنها واقعاً به عنوان بخش وسیعی از زحمتکشان در شوراهای می‌توانند خود نمایندگان و فعالیت این قشر در سطح سیاست محلی یا کشوری بشوند؟ تجربه کوتاه پس از قیام نشان داد که شوراهای به طور عمده در روزتایها و مناطق محروم توسط فعالیت این بزرگ‌تر، متأثر می‌شوند و این این تراکم صحرای را واضح است که در این شوراهای این ابتکار تا سیاست آن از بالا است چگونه می‌توان انتظار داشت که رهبری این از پائین باشد!!

در بخش شکل و ترکیب شرکت کنندگان و تقسیم مسئولیت ها در شوراهای بطور خلاصه می‌توان گفت که شرایط مشابهی با تجربه شوروی وجود دارد. از انجاییکه تا کنون فقط کادرها و اعضای سازمانهای سیاسی بوده‌اند که توان خود در تحلیل و رهبری را در شرایط مختلف تمرين کرده‌اند و برنامه هایی متعدد اقتصادی و سیاسی را را تنظیم کرده‌اند، پر واضح است که مدیریت کشوری و برنامه‌ریزی های اقتصادی با تجربه حمله عاجل جامعه ایران را آنها می‌توانند به پیش برند و از همین‌انداخته باشند که نمایندگان سیاسی توده ها در بالاترین ارگان های سیاسی تصلیم گیری شرکت خواهند کرد و نه خود توده ها. بنابراین در مرحله اول این نوع حکومت شورایی به واقع حکومت توده های شورایی نیست بلکه حکومت نمایندگان سیاسی توده ها به شکل شورایی است!!!!

با توجه به آنچه تا کنون مطرح شد باید گفت که اگر ما نتوانیم مکانیسم هایی برای حل مشکلات قید شده پیدا کنیم، نمی‌توان انتظار داشت که این گونه حکومت حزب به رهبری بوروکرات ها و متخصصین متکل در سازمان های سیاسی منتهی نشود. پیدا کردن راه حل و پاسخ گوئی به سوالات مطرح شده تنها راه دست یابی به حکومتی است که نه در حرف بلکه در عمل به دست توده های متکل در شوراهای باشد.

(ارس)

بنظر من نمی‌توان از تجربه شوراهای در شوروی سخن گفت، آنرا برای نوع حکومتی در ایران الگو کرد، بدون آنکه به جزئیات موارد قید شده در بخش اول توجه داشت، نمی‌توان با کلی گوئی و بدین مطربه شده در جزئیات ترتیبی حکومت شورایی ازان روزن است که ما نمی‌توانیم کرد و پیش از آن را رد کرد. البته این کاملاً روش است که ما نمی‌توانیم کلیه مسائل و مشکلات ایندۀ را ازحالا پیش بینی کنیم. و راحل هایی را برای آن منظور داریم. ولی دست کم اندسته از مشکلاتی که در تجربیات تاریخی وجود آمده را می‌توان مورد بررسی قرار داد و از تکرار آنها جلوگیری کرد. در بحث در مورد توده های متکل در شوراهای نباید فراموش کنیم که بخش وسیعی از توده های شوراهای متکل نبودند، در حقیقت توده های شورایی بخش پس از انقلاب اکبر بودند. توده ها به شکل بسیار وسیع پس از انقلاب اکبر بود که برای اولین بار در شوراهای شرکت کردند. بخشی از شوراهای نیز از بالا، یعنی نه به ابتکار توده های نیز از نیازهای انقلاب توسعه فعالیت سیاسی حزب پس از انقلاب اکبر شکل گرفت. اختلاف سطح فعالیتین مسؤولین و مسؤولین شورایی با توده های در این شوراهای بخش از شوراهایی بود که معموماً قبل از انقلاب و از توده های "آکا" تشکیل شده بود. واقعیت دیگر این است که بسیاری از این شوراهای بدان عکس العمل ازبالا و توسط کادرها و اعضای سیوالی که پیش می‌اید این است که اینده شوراهای با توجه به مسائل مطرح شده ایا می‌توانست سرنشیت دیگری داشته باشد؟ آیا می‌باید توان اصلی را در جهت آگاهی توده های و پیشروی با توجه به توان انها تنظیم می‌کرد؟ که در این صورت ایا پیشرفت‌های صنعتی، سیاسی و اجتماعی و تشکیل بلوک شرق در مقابل بلوک سرمایه داری و ایجاد بالانس در دو قطب جهانی و از این جهت تقویت و پشتیبانی آز جنپی که در این نداشتند، بنابراین سیوالی که پیش می‌اید این است که اینده شوراهای با توجه به مسائل مطرح شده ایا می‌توانست آگاهی توده های و پیشروی با توجه به توان انها تنظیم می‌کرد؟ در این میان این بود که بسیاری از این شوراهای بدان از حاکمیت ازبالا و توسط کادرها و اعضای سیوالی که اینده شوراهای بدان از جنپی که پیش می‌اید این است که این بحث های تا آنچه دهد؟ پاسخ گوئی به تصور ای اگر حزب توان اصلی را در جهت آگاهی توده های و پیشروی با توجه به توان انها قرار می‌داد ایا می‌شد از حاکمیت روزیونیسم جلوگیری کرد؟ حتی اگر این هم می‌توانست سرعت حرکت و تشکیل حکومتهای سوسیالیستی را کاهش دهد؟ پاسخ گوئی به این سوالها می‌تواند چرائی شکست شوراهای را مورد ارزیابی علمی قرار دهد. ممکن است برخی از خوانندگان بگویند این بحث ها کاملاً به صورت علنی مطرح شده‌اند و طی مقالدها و بولتن‌های مختلف به این سوالات پاسخ داده شده است. باید بگویی که بلی این بحث های تا آنچه مطرح شده که پاسخ گوئی چرائی شکست حکومت شورایی است و نه شکست شوراهای. بایه های این شکست سال ها قبل از گلاسنوست و در اوائل انقلاب اکبر، اینچنان که در این مقاله اشاره شد، گذاشتند. این هم مکن مورد نوچه نظریه پیدا زان مارکسیست، لینینیست ایرانی قرار گرفته است. بنظر من اگر شوراهای با توجه به میزان آگاهی و توان تشکیل دهنگان این پیش نرون و اگر وظائف امالی و نه واقعی برای این قابل شد، آنکه این شوراهای سرنوشتی جوانچه در شوراهای گذشت و با مشابه آن یعنی شکست نخواهد داشت. نمونه این وظائف امالی را در برخورد برخی تشکیل‌های سیاسی می‌توان دید، که در شرایط فعلی وظیفه مدیریت کارگری و نه کنترل کارگری را از وظایف شوراهای می‌دانند که در فردای انقلاب قرار است تشکیل گردند. لازم به پیاده اوری مجدد است که منظور از شکست شوراهای، از دست رفتن قدرت توده های در شوراهای است و نه تغییر سیستم و فروپاشی بلوک شرق در دهه ۹۰.

حال که به طور اجمالی درمورد تجربه شوراهای در شوروی صحبت کردیم، جای دارد به وضعیت و شرایط ایران نیز نیم نگاهی بیناند از پیم:

در آنچاییکه بحث به توان و آگاهی توده های برمی‌گردد، باید گفت که اختلاف کمتری با تجربه شورایی به چشم می‌خورد. بنا به شرایط اختناق، توده های از هرگونه تجربه شورایی چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح مدیریت کشوری برخوردار نیستند. تجربه کوتاه پس از قیام که در آن شوراهای تشکیل شدند، به توده های این مجال را نداد که قابلیت برنامه ریزی و مدیریت خود را به بوته آزمایش بگذارند. اشاره سازمان های به تجربه شوراهای در دوران کوتاه پس از قیام و اینکه توده های خود این شوراهای را تشکیل دادند نمی‌توانند نشان دهند آنها در مدیریت کارگری در شوراهای باشد. بعلاوه اینکه تشکیل شوراهای برخلاف شوروی برای اولین بار پس از سرنگونی رژیم میسر است و طبیعتاً این نوع شوراهای نمی‌توانند کارآرایی همانند شوراهای در شوروی را داشته

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در پی شکل گیری جنبش اعتراضی مردم عجب شیر در تاریخ ۱۹ مهر ماه اطلاعیه ای با عنوان اعتصاب عمومی در عجب شیر انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که در پی تظاهرات و اعتراضات چند روز اخیر در عجب شیر، اکنون دراین شهر اعتصاب عمومی برقرار شده است. این اعتراض که برسر مسئله موقعیت شهری با یک اعتراض مسالمت آغاز مردم آمیز مردم نیروهای سرکوب به تظاهرات و حمله مردم به مراکز دولتی انجامید. نیروهای مسلح به سوی مردم شلیک کردند که تعدادی کشته و زخمی شدند. رژیم، نیروهای مسلح اعزامی خود را در تمام شهر مستقر نمود و مردم دست به اعتصاب عمومی زدند. اطلاعیه تیجه می گیرد که علت ظاهري اعتراض هرچه باشد از علل عمیق تری ناشی می شود. اعتراض مردم عجب شیر ادامه یک رشته اعتراضات توده ای در سراسر ایران است. این اعتراض نیز نشان می دهد که مردم دیگر نمی خواهند وضع موجود را تحمل کنند.

پدیده بسیج کشی در ایران

نوینی که در زندگی سیاسی توده مردم گشوده شده است، در همین مراحل اولیه خود، اعمال اراده توده مردم و سرکوب و مجازات ستمگران را در محض داده ای به همراه آورده است. اکنون مردم منتظرند که فلان بسیجی و مزدور سرکوبگر رژیم زبانش را دراز کند، "امر به معروف و نهی از منکر" کند، بخواهد زور بگوید، تا در همانجا جوابش را کف دستش بگذارد. ابتدا یک کتک مفصل به این مزدور می زند و اگر زیاد پرروئی کرد حتی او را به قتل می رساند. روزنامه های رژیم در یکی، دو سال گذشته مملو است از مواردی که مردم بسیجیان را کتک زده و یا به قتل رسانده اند. این اقدام قهرآمیز مردم علیه نیروی سرکوبی که مدت‌ها رودرروی مردم بوده است نه فقط انعکاسی از خشم و انتزجار مردم از رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگر آن است، بلکه نشانه ای از جهت گیری اشکال مبارزات مردم به سوی اشکال عالی تر قهرآمیز علیه رژیم است. خود این شکل از مبارزه نه شکلی از مبارزات اصلی مردم است و نه میتواند معضلی جدی برای رژیم ایجاد کند. آنها اشکال فرعی گذاری در جنب اشکال اصلی مبارزه هستند که در جریان ارتقاء خواهند یافت. اما در هر حال نشانه ای از جهت گیری مبارزه قهرآمیز توده ای آتی علیه رژیم جمهوری اسلامی هستند. شیوع و گسترش پدیده بسیج کشی، هیئت حاکمه را به شدت متوجه کرده است. دستگاه قضائی رژیم شدید ترین احکام را علیه کسانی صادر کرده است که ببسیجیان برخورد قهرآمیز داشته اند. در چند مورد نیز حکم اعدام صادر کرده است. با این وجود، این اقدامات سرکوب گرانه نیز نتوانسته اند مردم را بترسانند و گسترش این پدیده را مهار کنند.

خواه در شکلی که "رانترها" عنوان نمودند، در مقایسه با تزوییر اخلاقی در مسائل جنسی یک گام به پیش بود. هردو گروه، خواهان دنیایی بهتری بودند. آنها به رابطه بین مالکیت خصوصی و جنسیت اشراف داشتند. نظرات آنها، آزمودی از جامعه آزاد آینده است که زن و مرد به یک موجود کامل بدل میگردند. از این روست که با انقلاب انگلیس، ایده برابری طلبانه پا به عرصه حیات می نهاد.

گرامی باد خاطره رفیق ناصر اسدی

روز بکشنبه ۸ اکتبر رفیق ناصر اسدی یکی از هواداران سازمان، در اثر بیماری قلبی در شهر هیلیورسوم هلند چشم از جهان فرو بست.

رفیق ناصر سال ۱۳۲۳ در یک خانواده کارگری در شهر الیگوردم تولد شد. قبل از انقلاب در حین تحصیل در مبارزات دانش جوئی فعال بود. پس از اتمام تحصیلات بعنوان دبیر جامعه شناسی در دبیرستان های ارak به کار مشغول شد. در مقطع انقلاب عضو شورای معلمان شهر ارak بود و در سازماندهی حرکات اعتراضی نقش فعالی داشت. پس از انقلاب در تشکیلات سازمان در شهر ارak به فعالیت پرداخت و با انشعاب اکثربیت و افایت، موضع انقلابی اقلیت را برگزید. سال ۵۹ به سبب فعالیت های سیاسی از آموخت و پرورش اخراج شد و با ضرباتی که در سال ۶۰ به تشکیلات ارak وارد آمد، او اخیراً سال دستگیرشد و مدت ۵ سال در زندانهای جمهوری اسلامی بسر برد. پس از آزادی از زندان منعویت از استخدام، محرومیت از حقوق اجتماعی و فشارهای سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات سبب شدند به ناگزیر در سال ۹۴ ایران را ترک نماید. او به کشور هلند رفت و تا زمان مرگش بعنوان پناهنده سیاسی دراین کشور زندگی می کرد. در هلند با فعالیت های سیاسی در ارتباط بود و علی رغم وضعیت جسمی اش در حرکت های اعتراضی واکسینهای شرکت می کرد. او در سالهای اخیر به سبب فشارهایی که قبیل و بعد از دستگیری در زندان و در تبعید متحمل شده بود، به بیماری قلبی مبتلا شد. بارها در بیمارستان بستری شد و سرانجام صبح روز ۸ اکتبر قلبش از حرکت باز ایستاد و پرای همیشه دیده فرویست.

رفیق ناصر روز جمعه ۱۳ اکتبر در حالی که تابوت حامل وی توسط دهها تن از رفقا و دوستانش مشایعت می شد، در گورستان شهر هیلیورسوم به خاک سپرده شد. اما نوای سرودهای انقلابی، و سرود انتربانسیونال که یارانش به هنگام تشییع او سرداده بودند نوید می داد که آرمانهای والا و انسانی ناصر اسدی نخواهند مرد و راه او توسط رهروان آزادی و سوسیالیسم ادامه خواهد داشت. یادش گرامی باد.

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان

به رواخلاقیات جنسی "حفاران" و "رانترها" منتج از شرایط اجتماعی بود که دو گروه فوق دران به سرمیردن. چرا که اخلاقیات همچون سایر ایده ها و نظرات محصول شرایط اقتصادی و سیاسی است که انسانها در آن به سر میبرند. آنچه مسلم است آن است که انقلاب جنسی خواه در قالبی که "حفاران" طرح کردن و

کمک مای رسیده

آلمان حمید اشرف ۵۰ مارک

خبری از ایران

اعتراض کارگران آجر ماشینی

کارگران کارخانه آجر ماشینی ابلق و آجر ماشینی بنیاد، بیشتر از سه ماه است که هیچگونه حقوقی دریافت نکرده‌اند. علاوه براین، سازمان تامین اجتماعی نیز از تدبیح دفترچه‌های بیمه کارگران خودداری می‌کند. کارگران نسبت به این زورگوئی‌ها شدیداً اعتراض دارند و خواستار حقوقهای معوجه و تدبیح دفترچه‌های بیمه خودهستند.

اعتراضات دانشجویان

از ابتدای سال تحصیلی، موج نوینی از اعتراضات دانشجویی آغاز شده است. دانشجویان در چندین دانشگاه برای تحقق خواستهای صنفی و سیاسی خود دست به گردهم آئی تھصنه و تظاهرات زده اند.

گروهی از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت بهمدت ۵ روزی بپایی یک تجمع اعتراضی خواهان در یافته خوابگاه مناسب و تحقق امکانات رفاهی خود شدند. سرانجام مسولیین دانشگاه موافقت نمودند با تهیه خوابگاه استیجاری و پرداخت و دیعه مسکن، به بخشی از خواستهای دانشجویان پاسخ مشت دهنند.

زنان دانشجوی دانشگاه اراک روز شنبه ۱۴ مهر ماه در حالی که پلاکاردهایی با خود حمل می‌کردند در جلو ساختمان اداری دانشگاه دست به تظاهرات زدند. آنها خواهان برخوردایی از امکانات زیستی مناسب در خوابگاه های دانشجویی از جمله آب و برق بودند.

در همین حال زنان دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی نیز را اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه ها و کمبود امکانات زیستی و بهداشتی در مقابل دفتر مرکزی این دانشگاه یک تجمع اعتراضی برپا کردند. در دانشگاه‌های آزاد شیراز، تبریز، حنوب تهران و دانشگاه رجایی نیز دانشجویان به خاطر مطالبات خود تجمع های اعتراضی برپا نمودند.

چند خبر کوتاه

فرماندار قائم شهر چنین عنوان کرد که در پی رکود در واحدهای نساجی این شهرستان ۳۸۰۰ کارگر در این شهرستان بیکار شده‌اند و علاوه برآن شمار زیادی از کارگران بیش از ۹ ماه است که هیچگونه حقوقی دریافت نکرده‌اند.

کاروکارگار از قول دبیر کل جمعیت مبارزه با اعتیاد نوشت، براساس آمارهای موجود هم اکنون ۲ میلیون نفر در کشور معتقد استند. در سومین نشست مشترک تشکل های به اصطلاح کارگری و کارفرمایی، محبوب دبیر کل خانه کارگر گفت "از ۶ میلیون و ۴۰۰ هزار کارگر، بیش از ۴ میلیون نفر از کارگران قرارداد کتبی ندارند" در میاندواب، بیش از هزار کارگر که به طور قراردادی در شرکت های بیمانکاری از جمله شرکت آهاب، قوئیس، شوسه، مهاب مشغول به کار بودند، از کار بیکار شدند. قابل ذکر است که هیچگونه حق بیمه بیکاری به این کارگران پرداخت نشده است.

موج اعتراضات کارگری در آذتشین و سقوط کابینه این کشور

را فراگرفت که طی آن کارگران خواهان برکناری دولت شدند. از سوی دیگر در جریان افشاگری های درونی حاکمیت، روشن شد که سناتورها متناسب با میزان مخالفت با اصلاحات پیشنهادی برقانون، مبلغ بیشتری دریافت کردند. پائین ترین مبلغ دریافتی معادل صدهزار دلار، به ازای رای مثبت به اصلاحات بود. با این که حد نصاب رشوه معلوم نیست اما گفته شده است ده ها میلیون دلارصرف تصویب اصلاحات فوق شده است. این امر موجب شد که نمایندگانی که رشوه کمتری دریافت کرده بودند، نام سایرین را علی کند و ظرف چند روزه دهها سناتور، رئیس سنا، وزیرکار و وزیرصنایع، وزیر بهداشت، رئیس سازمان امنیت و معاون رئیس جمهور مجبور به کناره گیری شدند که به دنبال آن کابینه این کشور سقوط کرد. رسوایی اخیر، ۱۰ ماه پیش از روی کار آمدن Dela Rua رئیس جمهور این کشور است که در سال گذشته وظیفه اهم خود و دولت را مبارزه با فساد و رشوه خواری اعلام کرده بود. لازم به ذکر است که پیش از آن نیز، زمامداری "منعم" رئیس جمهور پیشین آژانسی نمود تا با قربانی کردن چند مهره از گسترش دامنه این رسوایی جلوگیری نماید و یا اعلام نام دو سناور، خواهان برکناری آنها شد. اما این ترفند، کارساز نبود. موج اعتراضات کارگری روز به روز گسترش یافت تا سرانجام در نیمه دوم سپتامبر دو اعتضاب عمومی سراسر آژانسین

خاتمی جنازه «اصلاحات» را با دست خویش دفن کرد!

با هر حال تا آنجا که قضیه به برکناری و استعفای وزیر ارشاد بر می‌گردد، خاتمی بر دوش امثال مهاجرانی حمل می‌شد، خاتمی اما اکنون این جنازه گندیده را با دست خود در عمق خاک دفن کرد. تمامی این روی دادها یک بار دیگر این حقیقت را به اثبات می‌رساند که جمهوری اسلامی اصلاح بردارنیست و حتی تاب تحمل اصلاحات آبکی خاتمی را هم ندارد. این رژیم هیچگونه انتقاد و مخالفتی را به رسمیت نمی‌شناسد و لو آنکه این انتقاد و مخالفت از سوی مدافعان جمهوری اسلامی و به منظور حفظ این نظام باشد. این رویداد در عین حال یک بار دیگر پوچ بودن دعاوی همه جریان‌ها و افرادی را نشان می‌دهد که در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی، وعده بهبود اوضاع و به رسمیت شناخته شدن حقوق مردم را میدهدند. با بودن این رژیم هیچگونه اصلاح و بهبودی به نفع توده‌های مردم متصور نیست. این مسیر را تنها با انقلاب و سرنگونی رژیم می‌توان گشود!

به دنبال یک رشتہ اعتضابات وسیع کارگری در آژانسین طی ماه سپتامبر، کابینه این کشور سقوط کرد. در اوائل ماه سپتامبر بود که پرده از یک رسوایی سیاسی در این کشور برداشته شد و اعتضاب آغاز شد. یکی از نمایندگان مجلس سنای طی مصاحبه ای فاش ساخت که وزیر کارآژانسین با پرداخت رشوه به اکثر سناتورها، از آنها خواسته است تا به اصلاحات پیشنهادی به قانون کار این کشور رای مثبت دهند. نتیجه مستقیم این اصلاحات، لغو قراردادهای کارگران و تعرض شدید به دست اوردهای کارگران بود. باعلام این خبرموجی از تفرقه، افزایش را از این کشور ساخت که وزیر از این کشور را فراگرفت. کارگران با توقف تولید، دست به اعتضاب زده و با راهپیمایی و تظاهرات خواهان افساء و پی-گرد مسئولین شدند. متعاقباً دادگاه ویژه‌ای رسیدگی به مسئله را در دستور کار خود گذارد. گرچه رای دادگاه دولتی نیز حاکی از تأیید مسئله فوق بود، اما این دادگاه نیز از ذکر نام نهاد رشوه دهنه و افساء لیست سناتورها که رشوه دریافت کرده بودند، خودداری نمود. دولت Alvarez در این میان تلاش نمود تا با قربانی کردن چند مهره از گسترش دامنه این رسوایی جلوگیری نماید و یا اعلام نام دو سناور، خواهان برکناری آنها شد. اما این ترفند، کارساز نبود. موج اعتضابات کارگری روز به روز گسترش یافت تا سرانجام در نیمه دوم سپتامبر دو اعتضاب عمومی سراسر آژانسین

«پلیس نوجوان» برای برقراری امنیت در مدارس

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا کانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue Lecourbe
75015 Paris
France

P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واگز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

آلمان

اطریش

دانمارک

سوئد

سوئیس

فرانسه

هلند

است. این طرح رژیم نشان میدهد که دیگر، ارگانها و احدهای سرکوب قبلی در مدارس نظیر بسیج و امور تربیتی جوابگوی سطح کنونی نارضایتی و اعتراض درمیان دانش آموزان نیستند . این ابزارهای سرکوب دیگر نمی توانند دانش آموزان را مهار کنند . بنابراین ایجاد واحد های پلیس از میان خود دانش آموزان در مدارس سازماندهی می شوند که به شکلی مشکل دانش آموزان را سرکوب کنند . پلیس به راحتی بتواند در مدارس رفت و آمد داشته باشد ، وجو رعب و وحشت ایجاد نماید. البته اینها آرزو ها واهد اف دستگاه پلیسی جمهوری اسلامی است ، که تحقق آنها در شرایط کنونی ایران ممکن نیست. نه معلمین و نه دانش آموزان اجازه خواهند داد که در هر مدرسه ای یک کلانتری و دستگاه پلیسی راه بیافتد و نه جمهوری اسلامی توان آن را دارد که در هر مدرسه ای واحد های پلیس را به نام " پلیس نوجوان " تشکیل دهد. حتی اگر بتواند با زورهم در چند مبارزات از این واحد های پلیس تشکیل دهد ، دانش آموزان همان رفتاری را با آنها خواهند داشت که تا کنون با بسیجیان در مدارس داشته اند. تلاش دستگاه پلیسی رژیم در این زمینه قطعاً با شکست روبرو خود شد و هیچ اقدام پلیسی دیگر قادر نیست توده مردم ایران و از جمله دانش آموزان را از مبارزه علیه رژیم و تحقیق خواسته ای خود بازدارد.



پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaiyan-minority.org>

KAR

Organization Of Fedaiyan (Minority)

No. 343 okt 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی